

## روایت تلخ فرمانده انگلیسی از «ژنده پوشانی که جنازه شان در کنار جاده بود»

۱۰ مهر ۱۳۹۶ ساعت ۲۲:۵۸

در تاریخ زمان هایی است که روس و انگلیس در کشور نفوذ دارند و آنچه در این میان دارای اهمیت بوده حذف آن دیگری از صحنه جغرافیای ایران بوده است. بدون توجه به اینکه چه بر سر مردم این کشور آمده و می آید. حضور خارجی ها و مصرف و خارج کردن مواد غذایی قحطی های گسترده ای را به ایران تحمیل کرده بود که گاهی خود نظاره گر آن بوده اند . . .

کافه تاریخ- اخبار تاریخی

در تاریخ زمان هایی است که روس و انگلیس در کشور نفوذ دارند و آنچه در این میان دارای اهمیت بوده حذف آن دیگری از صحنه جغرافیای ایران بوده است. بدون توجه به اینکه چه بر سر مردم این کشور آمده و می آید. حضور خارجی ها و مصرف و خارج کردن مواد غذایی قحطی های گسترده ای را به ایران تحمیل کرده بود که گاهی خود نظاره گر آن بوده اند:



«سرلشکر دنسترویل فرمانده دنسترفورس نیروهای انگلیسی مهاجم به ایران در بهار ۱۹۱۸ نیز درباره قحطی اطلاعاتی به دست می

دهد. دنسرویل در تشریح سفر خود به انزلی در ژانویه ۱۹۱۸ می نویسد تا به اینجا نشانه های قحطی فراوان بوده و ما به کرات شمار زیادی از افراد فقیر، ژنده پوش و گرسنه را که تاب و توان از دست داده اند، در کنار جاده دیده ایم. او در جای دیگر می نویسد نشانه های قحطی را در همان آغاز سفر در ژانویه با دیدن اجساد و افراد در حال مرگ در جاده شاهد بودیم. از روستاهای نیمه ویران با ساکنان گرسنه عبور کردیم؛ اما هرچه گذشت اوضاع از بد به بدتر تغییر یافت و روشن بود که این مصیبت تا فصل برداشت بعدی یعنی تا حدود شش ماه بعد افزایش می یابد.»

منبع : محمد قلی مجد، قحطی بزرگ، ترجمه: محمد کریمی، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۷، ص ۴۶-۴۵

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۶۳۲۶/روایت-تاریخ-فرمانده-تلاخ-جاده-کنار-شان-جنازه-پوشانی-ژنده-انگلیسی-فرمانده-تلاخ-روایت/۳۶۳۲۶>